

در ستایش سیجویک؛ فلسوفی برای تمام فصول

حسین دباغ

سی و یکم ماه می ۱۸۳۸ زادروز تولد هنری سیجویک، روحانی، اقتصاد دان و فیلسوف اخلاق کمبریجی قرن نوزدهمی است. سهم او در دگرگون کردن اخلاق مدرن به حدی است که کتاب دورانساز او یعنی روشهای اخلاق (*Methods of Ethics*) را برخی بهترین و مهمترین کتاب اخلاق سنت تحلیلی می دانند. به عنوان نمونه درک پارفیت، یکی از برجسته ترین فیلسوفان اخلاق آکسفوردی، در مقدمه کتاب اثرگذار خود یعنی درباره آنچه مهم است (*On What Matters*)، آورده است که کتاب سیجویک "بهترین کتابی است که تا به حال درباره اخلاق نوشته شده است". سبب آنجاست که وفق رای او در قیاس با سایر کتاب های کلاسیک اخلاق، کتاب سیجویک "بیشترین مقادیر مدعیات صادق و مهم" را داراست (xxxiii). همچنین وی در کتاب دلایل و اشخاص (*Reasons and Persons*)، همراه با سیجویک ادعا می کند که لذت و فایده (*Pleasure*)، ارزش غایی (*Ultimate Value*) را ندارد و لذت گرایان (*Hedonists*) "تنها نیمی از حقیقت" را درک کرده اند (502).

سی. دی. براد، جانشین سیجویک در کمبریج، نیز بر این باور بود که کتاب روشهای اخلاق بهترین رساله ای است که تا آن زمان در آثار کلاسیک فلسفی نوشته شده بود (۱۴۳). راولز، فیلسوف اخلاق و سیاست هارواردی، سیجویک را بر صدر می نهاد و به اعتراف می گفت^۱ که کتاب سیجویک "اولین کار آکادمیک حقیقی در نظریه اخلاقی، مدرن هم به جهت متد و هم به جهت روح [حاکم بر آن]" است. همچنین پیتر سینگر، فیلسوف برجسته اخلاق کاربردی دانشگاه پرینستون، قدر و منزلت سیجویک را به اندازه تاریخ فلسفه اخلاق می داند و کتاب او را منبع عظیم و حیاتی برای استدلال اخلاقی به شمار می آورد.

دانشجویان فلسفه اخلاق، چون من، بیش از آنکه بتوانند بیان کنند مرهون خدمات و حسنات کسی چون سیجویک هستند. غفلت از شان او در فلسفه اخلاق جدید شایسته فلسفه جویان نیست. ادبیات فلسفه اخلاق فارسی زبان اما

¹ Rawls, J., 1980, "Kantian Constructivism in Moral Theory", *Journal of Philosophy*, 77.

متأسفانه چندان بدین امر نائل نیامده است. به همین جهت نوشتاری کوتاه در یادبود وی شاید ادای دینی به نقش و شان او باشد.

به اختصار سه ایده را می توان در نظام فلسفه اخلاق سیجویک برجسته نمود: نخست بحث از تئوری هنجاری فایده گرایی قاعده محور است. دوم بحث از شهودگرایی در معرفت شناسی اخلاق که مدافعان بسیاری در اخلاق معاصر پیدا کرده است و در آخر بحث از عقلانیت عملی دوگانه (Dualism of Practical Reason) در روانشناسی اخلاق است. در زیر به ترتیب درباره این ایده ها نکاتی را اشاره خواهم کرد.

یکم. فایده گرایی قاعده محور؛ سیجویک آشکارا از نتیجه گرایی اخلاقی و بالخصوص فایده گرایی دفاع می کند. وی بر این باور بود که اصل اساسی فایده گرایی یعنی "بیشینه کردن لذت و کمینه کردن رنج" یک اصل بدون تبعیض و سوء گیری است و قائل بود می توان با "چشمی جهان بین" (Point of View of the Universe) بر صحت این اصل مهر رسمیت زد. چشمان جهان بین در جای خود معنادار تر هم می شود وقتی طنین کانتی سخنان سیجویک را پیش چشم بیاوریم. بدین معنا که اصل اساسی پیامدگرایان می تواند به شکل قاعده درآید و بر همگان بدون تبعیض صدق کند. تامس نیگل، فیلسوف اخلاق زنده دانشگاه نیویورک نیز به اقتفای سیجویک تعبیر "نگاه از ناکجا" (The View From Nowhere) را بر می گزیند و از آن دفاع می کند. یعنی اصل اخلاقی ما باید از جایی آغاز به کار کند که ناکجاآباد است و سوءگیری پیشینی ندارد.

برد هوکر، فیلسوف اخلاق دانشگاه ردینگ، نیز که سهمی عظیم در احیای تئوری فایده گرایی قاعده محور دارد خود را میراثبر سیجویک می داند. وی در کتاب تحسین شده خود، *اصل ایده آل؛ جهان رئال (Ideal Code, Real World)*، سیجویک را سلسله جنبان تئوری فایده گرایی قاعده محور می داند و تاکید می کند درک سیجویک در گرو فهم "امر مطلق" کانت است.

دوم. شهودگرایی اخلاقی؛ سیجویک بر این باور بود که برخی از (و نه همه) گزاره های اخلاقی چندان بدیهی و واضح هستند که می توان بی واسطه آنها را درک و فهم کرد. این درک بی واسطه را او شهود (Intuition) می نامید. به عنوان نمونه این اصل پیامدگرایی که باید لذت را برای همگان به حداکثر رساند و درد و رنج را به حداقل، وفق رای او می توان شهوداً به چنگ آورد. وی حتی این قبیل شهودهای اخلاقی را که همگان می توانند از فرط بداهت درک کنند، شهودهای عقلانی می نامید. پیتر سینگر بر این باور است که تنها این قبیل شهود است که از تیررس نسبیت

روانشناختی به دور است و می تواند جان سالم بدر آورد. بدین معنا که تنها شهوهای عقلانی اند که به جهت معرفتی موجه اند و در معرفت شناسی اخلاق به کار می آیند.

سوم. عقلانیت دوگانه؛ وقتی درباره خودمحوری سخن می گوئیم می توان از دو حیث بدان پردازیم: خودمحوری روان شناختی (Psychological Egoism) و خودمحوری عقلانی (Rational Egoism). نزد سیجویک آنچه به جهت اخلاقی مذموم و مطرود است، خودمحوری روان شناختی است. چرا که "دیگری" را در حساب نمی آورد و در یک کلام منصفانه نیست. اما به باور وی خودمحوری عقلانی می تواند قابل دفاع باشد. یعنی در جایی که برای مثال فرزند ما یا بستگان ما و فرزند فرد بیگانه ای در حال غرق شدن اند، عقل حکم می کند که فرزند خود را اول باید نجات داد چرا که طبیعتاً وابستگی به آنها اولی است. این دوگانگی اما سبب می شود تضاد و تعارضی در نظام اخلاقی سیجویک پدید آید. بدین معنا که تئوری اخلاقی او از شکل وحدت انگاری (Monism) به در می آید و کثرت گرا (Pluralist) می شود و این با آنچه او در پی آن بود نمی خواند.

منقول است که باورهای دینی-مسیحی سیجویک از میانه عمر تا به آخر دستخوش تغییر شد و با آنچه می توان از آن به عنوان نگاه سنتی کلیسای مسیحیت یاد کرد، فاصله گرفت. وی در جایی دلیل جدا شدنش از کلیسا را به میان آورده و خطاب به فقهای مسیحی داد برآورده است که: "کافر من گر از این شیوه تو ایمان داری". برخی حتی او را متمایل به همجنس خواهی دانسته اند و از علایق پنهان او به جنس موافق خبر داده اند.

سیجویک در ۲۸ آگوست ۱۹۰۰ بر اثر سرطان به "عالم دیگر" هجرت کرد و به عمر ۶۲ ساله جنگ با ریاکاری پایان داد. وی در شهر اسکس انگلستان به خاک سپرده شد تا خاک فیلسوف پرور انگلستان را بارورتر کند.